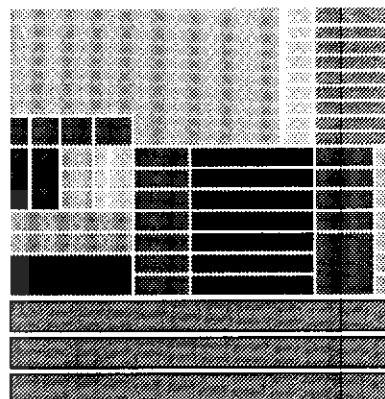


مقالات اقتصادی



پژوهشی درباره

دنیای مناطق و سرزمینهای آزاد

سیری در تاریخچه ایجاد،

تحول و عملکرد منطقه‌ها و سرزمین‌های آزاد

مقدمه و مبانی نظری:

به نظر می‌رسد پیش از ادای هرگونه کلامی درباره مبانی نظری مربوط به ایجاد منطقه‌ها و سرزمینهای آزاد و به طور کلی سیر تحول اندیشه‌ی نوین مربوط، اشاره به مبادله یا داد و ستد و اهمیت توجه به سیر تحول تاریخی آن، حتی به گونه‌ای کوتاه و گذرا ضرورت داشته باشد. بنابراین با پذیرش این واقعیت که بشر از آغاز خلقت، و به بیان دیگر حتی پیش از آنکه معنی و مفهوم تولید مازاد بر مصرف را در

ابتدائی‌ترین شکل درک کند و یا با آن آشنا باشد، دست‌اندرکار مبادله به عنوان همزاد طبیعی تولید بوده است، روشنگر آنست که مبادله کالا همواره جزء لاینفک زندگی بشر بوده است. با این تفاوت که در آغاز مبادله به صورت کالا در برابر کالا و به شکلی کاملاً ابتدائی مورد عمل و رایج بوده، در حالی که امروزه مبادله یا خرید و فروش در برابر پول در گونه‌های متفاوت آن در جریان است.

نکته درخور توجه این که اهمیت مبادله کالا در معنا

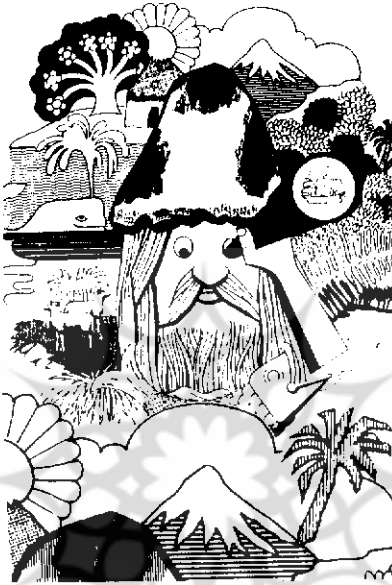
و مفهوم امروزی آن به گونه‌ای آشکار برای نخستین بار در سده‌ی هجدهم و از سوی تعدادی از اقتصاددانان بزرگ عنوان شد. واقعیتی که از نگر مبادلات بازرگانی ناظر بر یک دوره کاملاً محدود تاریخی بود. دوره‌ای که به دوران حاکمیت شیوه فکری "مرکانتالیسم" (Mercantalism) یا عصر سوداگری مشهور است. شیوه‌ای که این روزها، از سوی تمامی کشورهای پیشرفته صنعتی و درآستانه صنعتی شدن و حتی در حال پیشرفت با تمایز ساختاری

برای محدود کردن منافع انحصاری و جریان قیمت‌های نامتعادل و جلوگیری از هزنوع تبعیض نادرست برای مصرف‌کننده می‌توان و باید اقدام به تهیه و تدوین مقررات کرد. به‌ویژه برای کاهش انحراف از تحولات اقتصادی و کوشش در جهت تضمین ثبات اقتصادی.

پیشروی این اندیشه در سال ۱۸۶۰ با بستن قرارداد تجاری دادوستد آزاد بین فرانسه و انگلیس صورت گرفت و پس از آن بین کشورهای اروپایی و در قراردادهای مشابه نیز مورد استفاده و استناد قرار گرفت و آزادی دادوستد بازرگانی از سال ۱۸۶۰ به عنوان یک اصل پذیرفته شده در انگلستان به اجرا درآمد. حتی در ایالات متحده آمریکا نیز بعد از یک دوره کاملاً سوداگری نظام گمرکی تا اندازه‌های سبک برقرار شد.

در سده بیستم و به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم توجه به اهمیت هرچه بیشتر بازرگانی بین‌المللی و جایگاه آن در توسعه اقتصاد جهانی و آزادی دادوستد بین کشورهای مقبولیتی چشمگیر برخوردار شد. با وجود این تردید نیست که چنانچه اهمیت داد و ستد آزاد مورد تأیید همه‌ی کشورهای، به‌ویژه کشورهای پیشرفته نیز باشد، باز ممکن است گرایش‌های سوداگری که در حال مانع دادوستد بازرگانی می‌باشد به گونه‌ای ظاهر شود.

در سده بیستم به لحاظ دو جنگ جهانی و بحران اقتصادی سال‌های ۱۹۳۰ برخی کشورهای پیشرفته به دلیل ملی‌گرائی ملزم به حفظ منافع اقتصادی خود بودند. در حال حاضر نیز به روشنی دیده می‌شود که حتی برخی از کشورهای موافق با آزادسازی بازرگانی بین‌المللی در وضعی قرار دارند که در مشارکت برای آزادسازی بازرگانی بین‌المللی ایجاد مشکل می‌کنند. لذا این کشورها برای دستیابی هرچه بیشتر و سریع‌تر به رفاه اقتصادی و اجرای اقداماتی برای حفظ صنایع ملی خود به تناوب از این گروه دوری می‌جویند. با وجود این همان‌گونه که "آلیس" (Allais) یکی از سرشناسان دست‌اندرکار اقتصاد و بازرگانی بین‌المللی می‌گوید: "اقدامات محدودکننده یک کشور در برابر کشور دیگر امتیازهایی برای کشور تحمیل‌کننده مقررات گمرکی تأمین می‌کند که منجر به بهبود سهم دادوستد بازرگانی آن کشور می‌شود. اما روشن است که کشورهای دیگر نیز وادار به مقابله به مثل خواهند شد و این اقدامات است که مبادلات را در آن واحد با محدودیت‌های متعدد مواجه می‌سازد و دادوستد بازرگانی با مشکلات بیشتری برخورد می‌کند. به همین دلیل است



بجای استفاده از تولیداتی که در داخل کشور گران‌تر از محصول مشابه در کشور دیگر تمام می‌شود، از تولیداتی که در خارج ارزان‌تر تمام می‌شود استفاده شود. وی ثابت کرد که قیود و مقررات سوداگری سبب خواهد شد که در کار بازرگانی خارجی همواره یک برنده و یک بازنده وجود داشته باشد. از این رو ملاحظه می‌شود که نظریه کلاسیک بازرگانی بین‌المللی در آغاز سده نوزدهم پر دکتترین مزیت‌های نسبی، دیوید ریکاردو استوار شده است. دکتربینی که در اواسط سده نوزدهم به حذف برخی حقوق گمرکی در انگلستان منتهی شد. حتی در فرانسه نیز که نظام سوداگری تا سال ۱۸۹۶ اجرا می‌شد، اشخاص و اقتصاددانان صاحب نفوذی مانند: ژان باتیست سه (Jean Batiste Say) نیز به طرفداری از آزادی مبادلات و بر علیه نظام سوداگری حاکم براوضاع به مبارزه برخاستند. اینان اظهار می‌داشتند: ثروت درجائی افزون خواهد شد که برای تولید آسان‌تر کالا به کار کمتری نیاز باشد جایی که بازرگانی خارجی از امتیاز مستقیم برخوردار است.

و تکنولوژیکی به گونه‌ای جدی و شتابان دنبال می‌شود و در بیشتر موارد توسعه صدور خدمات نامیده می‌شود. مقوله‌ای که بایستی به گونه‌ای جدی و جداگانه مورد مطالعه، بررسی و ارائه قرار گیرد.

در سده‌ی شانزدهم میلادی رویدادهای ناشی از تورم و رکود و گسترش پولی، به ویژه در سالهای پایانی آن سده، سبب بروز مسائل و مشکلات فراوان شد - مسائل و مشکلات زیادی که سوچیات برقراری چنین سیاستی را در طول سده هفدهم فراهم آورد.

بر اساس شیوه یادستان فکری سوداگری، سیاست اقتصادی بایستی در انگاره ملی بررسی و توجیه می‌شد. به بیان دیگر سیاست اقتصادی بایستی به گونه‌ای اتخاذ و مورد عمل قرار می‌گرفت که حساب ثروت و قدرت حکومت به سادگی آشکار و قابل لمس می‌بود. بنابراین پیروان دبستان فکری سوداگری بر این باور بودند که افزایش پول و ثروت در گونه‌ی فلزی آن اصلی است که می‌تواند اقتصاد را توسعه و رونق بخش باشد. بنابراین نتیجه‌گیریست که ملاحظه می‌شود در این دوره همواره عنوان شده است: هدف باید تحصیل موازنه مثبت بازرگانی باشد. بنابراین دولت باید تمامی اقدامات ارشادی و اقتصادی خود را برای نیل به این هدف متمرکز سازد. اما این دکتربین در آن دوران سبب برانگیختن منازعات تعرفه‌ای بسیار و بروز جنگ‌های بزرگ شد و بیشتر کشورها به ویژه کشورهای اروپایی را رویاروی یکدیگر قرار داد.

در اواسط سده هیجدهم به دلیل تحولی طولانی که از سال ۱۷۴۰ در افزایش قیمت‌ها آغاز شده بود و عملاً عکس‌العمل آزادی طلبی برخی اقتصاددانان و سیاستمداران علیه دخالت دولت در امور و برقراری پایه‌های مکتب آزادی طلبی کلاسیک بود، تغییر و تحولی همه جانبه و بیش از گذشته در اقتصاد اروپا رخ داد. تغییر و تحولی که منجر به تثبیت سیاست اقتصادی مکتب کلاسیک شد. مروجین مکتب آزاد، فیروکرات‌ها و طرفداران شعار: بگذار انجام دهند، بگذار جریان یابد Laisser Faire, Laisser Passe را اعلام کردند. در انگلستان، آدام اسمیت Adam Smith اسکاتلندی نشان داد که صرفه و صلاح در آن است که

آرشاد خاص دولت است و نباید پیش از آنکه اثرات اقتصادی آن مشخص شود، برآورده یا سنجیده شود.

که چنانچه این کشورها بخواهند از مزایای بازرگانی بین‌المللی و درآمد حاصل از آن بهره‌مند شوند، باید به متن قراردادهای اقتصادی تن دردهند.

روشن است که هدف از آزادسازی مبادلات بازرگانی بین‌المللی، جایگزین کردن سیاست آشتی بازرگانی با سیاست جدال‌برانگیز بازرگانی است، زیرا تنها از این راه است که می‌توان از امتیازات ناشی از آزادسازی بازرگانی بهره‌جست و در اندازة ممکن سود مورد نظر را حفظ کرد.

آزادسازی بازرگانی بین‌المللی می‌تواند به صورت یک جانبه و یا براساس سازش دوجانبه انجام‌پذیر باشد. مانند سازش جاری بین ایالات متحده آمریکا، کانادا و ویا سازش عمومی مربوط به قرارداد عمومی تعرفه و تجارت "گات" (GATT).

در آخر روشن است که آزادسازی بازرگانی بین‌المللی می‌تواند در روسازهای گوناگون ظاهر شود، یعنی از تهیه و تدوین تعرفه‌های ترجیحی برای منطقه‌های آزاد و اتحادیه‌های گمرکی تا جامعه‌های اقتصادی کامل که مرحله نهایی و پیشرفته آزادسازی مبادلات بازرگانی در آنها متبلور است.

اکنون توجه به این معنا درخور اهمیت است که مفهوم "منطقه‌ها و سرزمین‌های آزاد" که منطقه‌های آزاد بازرگانی از جمله گونه‌های متفاوت آنست، نخست در کشورهای اروپایی با عنوان "بنادر آزاد" ایجاد و از رونق فراوان نیز برخوردار شد. اما با ایجاد امپراتوریهای بزرگ بازرگانی، بندرهای آزاد در برخی مستعمرات متمرکز شد و لذا بندرهای آزاد اروپایی رونق خود را از دست دادند. اما بعد از جنگ جهانی دوم، بویژه از سالهای دهه‌ی شصت به بعد با توجه به تجارب و استفاده‌هایی که از ایجاد مناطق آزاد توسط کشورهای صنعتی به دست آمده بود، ایجاد این منطقه‌ها در گونه‌های متفاوت آن، فراگیر تر از انبارهای آزاد

خارج از گمرک و در پایان "منطقه‌های پردازش صادرات" براساس ضوابط و مقررات کاملاً متفاوت، اما وجوه مشترک زیاد تحقق یافت.

روشن است که اصطلاح یا مفهوم منطقه و سرزمین‌های آزادیبه ویژه منطقه‌های پردازش صادرات که در واقع همان منطقه‌های آزاد تجاری - صنعتی است، همواره کاهش مقررات و قیودات ناشی از آن را متبادر به ذهن می‌سازد. بنابراین تردید نیست که تدوین مقررات مربوط به این گونه منطقه‌ها یا فعالیت شرکت‌های مستقر در آن باید به گونه‌ای باشد که بتواند حس رقابت آن را درجهانی که هرروز بیش از پیش خود را زهر نظر آزادی می‌سازد فراهم ساخته، افزایش دهد. آنچه در پی خواهد آمد، توصیف کوتاهی است از گونه‌های متفاوت اندیشه و تفکر و همچنین حرکت دربارۀ وجهت منطقه‌ها و سرزمین‌های آزاد به طور فراگیر. به بیان دیگر گفتار نیست درباره مضامین یا مفاهیم مربوط به مقررات عمومی، تئوری بازرگانی بین‌المللی و همچنین آزادسازی بازرگانی بین‌المللی که تطور آن منطقه‌ها و سرزمین‌های آزاد را در خود دارد.

تدوین مقررات عمومی

زمانی که سخن از تعریف یا تهیه و تدوین مقررات عمومی در منطقه‌ها و سرزمین‌های آزاد در میان است، مراد وضع مقررات جدید یا تعدیل بخشی از فعالیت‌های دولت به طور اعم و یا در منطقه‌ای مشخص و به طور اخص می‌باشد. بدین معنی که پیش از آنکه برخی فعالیت‌ها را به عنوان مثال در منطقه از نظم خارج و یا فارغ از رعایت مقررات سازیم، چگونگی تدوین مقررات را بهتر بشناسیم، باید دانست که هدف از تهیه و تدوین مقررات عمومی از دیرزمان همواره ایجاد یا افزایش نرخ اشتغال، تامین منافع

کل جامعه و محافل سیاسی حاکم بر جامعه بوده است، با این حال به نظر می‌رسد بسیار دشوار بتوان تعریف جامعی برای آن یافت.

"شولتس" و "آلکساندروف" دوتن از برجسته‌ترین صاحب نظران در زمینه بازرگانی بین‌المللی و همچنین منطقه‌ها و سرزمین‌های آزاد، درحالی که درباره تعریف مقررات عمومی، ده نوع تعریف ارائه داده‌اند، مشکلات مربوط را نیز به بهترین وجه عنوان می‌کنند.

"برنیه" و "لاژوا" در تعریف تدوین مقررات، تعریف ارائه شده از سوی "کمیته فعالیت‌های دولتی سنای ایالات متحده آمریکا" را که به معنا و مفهوم وسیع کلمه پیشنهاد شده به شرح زیر عنوان می‌کنند:

"تدوین مقررات می‌تواند شامل کلیه فعالیت‌های دولت باشد. فعالیت‌هایی که بیشتر عبارتند از عرضه امتیازات و تحمیل محدودیت‌ها و در نهایت به معنای وسیع کلام در حدود برنامه‌های کمک نقدی، برنامه‌های تحقیق و توسعه تنظیم خدمات از نوع مالی و امتیازات ارائه شده به افراد بخش خصوصی توسط دولت." و اینها همه کلاً محتوای تدوین مقررات را شامل می‌باشند.

به نظر برخی از اقتصاددانان سه دلیل عمده برای تهیه و تدوین مقررات وجود دارد:

- ۱- اصلاح نواقص بازار
 - ۲- توزیع مجدد ثروت و درآمد
 - ۳- تامین هدف‌های اجتماعی و فرهنگی
- پیروان این برداشت براین باورند که آرشاد خاص دولت است و نباید پیش از آنکه اثرات اقتصادی آن مشخص شود، برآورده یا سنجیده شود زیرا بهر حال منظور از دلائل سه گانه فوق عبارتست از:

۱- اصلاح نواقص بازار

نارسایی‌های اداری و سودجویی، سد راه جذب و وفور سرمایه‌اند درحالی که منطقه‌های آزاد با جلب سرمایه، نرخ اشتغال را افزایش خواهند داد، ویژگی تولیدی کارگر محلی را بهبود خواهند بخشید و سبب پیشرفتی فعال خواهند شد که همه و همه موجب ایجاد منابع مالی برای منطقه خواهد بود، و در پایان منجر به آبادانی بیشتر منطقه و پیشرفت و تعالی ناحیه خواهد شد.

می‌باشد، لذا به طوری که مشاهده می‌شود. افزون بر این باید یادآور شد که تغییرات در قوانین و مقررات بانکی در بخش مالی، علاوه بر فراهم سازی امکان جلب سرمایه‌های خارجی، رقابت بین بانکهای خارجی را نیز افزایش خواهد داد.

نکته‌ای که توجه به آن درخور اهمیت است این که اساساً کاهش مقررات به لحاظ پی‌آمدهای ناشی از آن بسیار مشکل است. به همین دلیل بیشتر سرو دست اندرکاران امور مربوط به برقراری بی‌نظمی جزئی را به مراتب عملی‌تر از تدوین یا کاهش مقررات می‌دانند زیرا با آنکه بی‌ترتیبی یا بی‌نظمی کردن اقتصادی نمی‌تواند همواره یا موفقیت مواجه باشد، با این حال مسلم است که ایجاد منطقه‌های آزاد، در صورت رعایت مبانی مربوطه قابل تحقق است، به این دلیل که ایجاد منطقه و سرزمین‌های آزاد نوعی تیبانی میان تدوین مقررات و بی‌نظمی کلی است.

در اینجا باید یادآور شد که در این زمینه علاوه بر واژه بی‌نظمی، اصطلاحات دیگری نیز مورد استفاده است. مانند: "آزادسازی" یا "تجدید مقررات" و یا "مقررات سازی جدید". البته این اصطلاح بیشتر زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مسئله ایجاد شبکه‌ای از منطقه‌های آزاد مدنظر باشد.

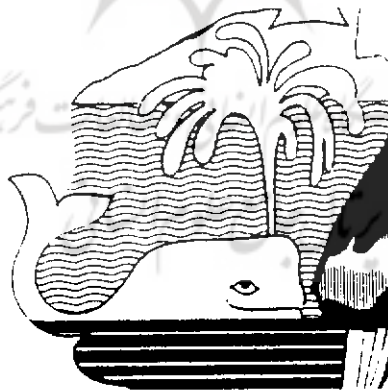
اساساً توصیفی کلی از منطقه‌های آزاد ما را وادار می‌سازد از خود سؤال کنیم "چگونه است که غالباً در کشورهای توسعه یافته چنین منطقه‌هایی موفقیت کسب می‌کنند، در حالی که واقعاً مشکل به نظر می‌رسد بتوان کاهش مقررات را در این ممالک قبولاند؟ در پاسخ همواره گفته می‌شود که، این امر ناشی از نحوه‌ی عمل مناطق آزاد است که به طور نمونه و انتخابی و براساس طرحی جامع و صرفاً اقتصادی، برخی مقررات را کاهش می‌دهند و یا به طور کلی از اجرا و اعمال برخی مقررات چشم‌پوشی می‌کنند.

"هربرت - گروبل (Herbert Grubel) اقتصاددان موسسه فرازر Frazer می‌گوید: یا آنکه تدوین مقررات بازرگانی بین‌المللی به گونه‌ای عمل می‌کند که به طور مستقیم تنها برای چند نفر تحصیل سود می‌کند، اما آنچه مسلم است به همان اندازه منافع اکثریت را هم دربردارد.

ارتباطات و تکنولوژی باید اقدام به تدوین مقررات کرد. عوامل مقرراتی رایج عبارتند از کنترل مالکیت خارجی، برقراری قیمت‌ها، محتوای مقررات و حقوق گمرکی.

باید توجه داشت که تهیه و تدوین مقررات هزینه‌هایی دربر خواهد داشت که می‌توان آنها را با عناوینهای "هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم" و در دو گروه تقسیم بندی کرد. روشن است که هزینه‌های مستقیم عبارتند از ضرورت رعایت فشار ادارات و دستگاههای عمومی، کاغذ بازاری و احترام به اصول. اما هزینه‌های غیرمستقیم که به منظور کند کردن نقش نیروی بازار و برقراری عدالت اجتماعی ایجاد می‌شود. نهایتاً موجب ضرر و زیان رسانی به ابتکارات تکنولوژیک می‌شود.

از این رو باید توجه داشت که ایجاد یک منطقه یا سرزمین آزاد مستلزم کاهش مقررات است، زیرا تنها با چنین کاری است که منطقه مورد نظر بیشتر جلوه می‌کند و جذاب می‌شود و لذا قادر به جذب سرمایه می‌گردد. بنابراین تردید نیست که هدف از ایجاد این منطقه‌ها و بکارگیری آنها تنها با تسهیل بخشی از فعالیت‌های یک کشور در یک منطقه تحت حفاظت و حراست می‌تواند انجام پذیر باشد. بی‌تردید کاملاً پذیرفتنی است که کاهش و تسهیل مقررات جاری در محدوده فعالیت‌های بازرگانی - صنعتی، تصویر بازگشت ناگهانی به نیروی بازار را همراه دارد. اما از آنجا که تسهیل و آزادی برخی فعالیت‌های اقتصادی به معنای حذف کامل مقررات نیست، بلکه کاهش برخی نظارت‌های دولت بر برخی فعالیت‌ها و تصمیم‌گیریها



مفهوم اصلاح نواقص بازار معمولاً شامل پنج حالت متفاوت است که به شرح زیر فهرست وار عنوان می‌شود:

• **انحصار طلبی:** به این معنا که یک صنعت تنها در یک صورت می‌تواند موثر باقی بماند که تنها یک تولید وجود داشته باشد.

• **رقابت:** رقابت باید تحت مقررات باشد، یعنی قوانین و مقررات مربوط مدون باشد تا بتواند شرکت‌های بخش و مشتری‌ها را حمایت کند.

• **اثرات وارده یا خارجی:** مقررات زمانی تهیه و تدوین می‌شود که بین هزینه‌های اجتماعی و خصوصی اختلاف وجود داشته باشد، مانند آلودگیهای اجتماعی.

• **استفاده نامطلوب از منابع ملی:** استثمار توسط یک یا چند نفر که ممکن است به خلع مالکیت دیگران یا استفاده غیر موثر و نامطلوب منابع منجر شود.

• **کمبود اطلاعات:** برای تصمیم‌گیری و تهیه و تدوین مقررات باید تمامی اطلاعات را در دست داشت، چیزی که همواره وجود ندارد.

روشن است که لازمه‌ی برطرف ساختن این نوع مسائل و مشکلات و نواقص، تدوین و اجرای مقررات و تحصیل و انتشار اطلاعات کافی و صحیح است. به نحوی که اصول را به کسانی که دارای اطلاعات نمی‌باشند رساند و به کسانی که دارای اطلاع می‌باشند تحویل کرد. به گونه‌ای که بتوان بخش خصوصی را در تصمیم‌گیری کمک و راهنما بود.

۲- توزیع مجدد ثروت و درآمد

برای محدود کردن منافع انحصاری و جریان قیمت‌های نامتعادل و جلوگیری از هرنوع تبعیض نادرست برای مصرف‌کننده می‌توان و باید اقدام به تهیه و تدوین مقررات کرد. به ویژه برای کاهش انحراف از تحولات اقتصادی و کوشش در جهت تضمین ثبات اقتصادی.

۳- تأمین هدف‌های اجتماعی و فرهنگی

در پایان به دلیل پی‌گیری و تأمین هدف‌های اجتماعی یا فرهنگی در زمینه منابع ملی، حفظ بهداشت، حمل و نقل،

منطقه‌های آزاد در هر یک از گونه‌های خود در صورتی که براساس مطالعات اقتصادی همه جانبه و مربوط ایجاد شده باشند می‌توانند سرمایه‌های زیادی را برای سرمایه‌گذاری در زمینه‌های تولیدی جلب کنند.

تنظیم مقررات به عنوان وسیله‌ای غیر دقیق، نمی‌تواند با تمامی نیازهای افراد یا یک ناحیه مقابله کند، اما منطقه‌های آزاد بیشتر قادرند خود را با نیازها تطبیق دهند.

وی عنوان می‌کند که: تنظیم مقررات به عنوان وسیله‌ای غیر دقیق، نمی‌تواند با تمامی نیازهای افراد یا یک ناحیه مقابله کند، اما منطقه‌های آزاد بیشتر قادرند خود را با نیازها تطبیق دهند.

افزون بر آنچه به اختصار گفته شد باید توجه درشت که منطقه‌های آزاد در هر یک از گونه‌های خود در صورتی که بر اساس مطالعات اقتصادی همه جانبه و مربوط ایجاد شده باشند می‌توانند سرمایه‌های زیادی را برای سرمایه‌گذاری در زمینه‌های تولیدی جلب کنند. "گروبل" در این زمینه بر این باور است که نارسایی‌های اداری و سودجویی، سد راه جذب و وفور سرمایه‌اند در حالی که منطقه‌های آزاد با جلب سرمایه، نرخ اشتغال را افزایش خواهند داد و ویژگی تولیدی کارگر محلی را بهبود خواهند بخشید و سبب پیشرفتی فعال خواهند شد که همه و همه موجب ایجاد منابع مالی برای منطقه خواهد بود، و در پایان مستجریه آبادانی بیشتر منطقه و پیشرفت و تعالی ناحیه خواهد شد. "گروبل" بر این عقیده نیز استوار است که "منطقه‌های آزاد" علاوه بر تقویت منابع مالی، کارگر و تکنولوژی، نتیجه مهم دیگری هم در بر دارند و آن اثرات بالقوه "مناطق آزاد" طی دوره‌های بلندمدت در منطقه وکل جامعه است.

– اثرات اقتصادی منطقه‌های آزاد

به نظر می‌رسد روشن باشد که ایجاد منطقه‌ها و سرزمین‌های آزاد به معنای کاهش موانع گمرکی و مالیاتی و قائل شدن برخی دیگر امتیازات برای این منطقه‌هاست. تئوری بازرگانی بین‌المللی نشان می‌دهد که چنین اقدامی یعنی ایجاد منطقه یا سرزمین آزاد، در هر یک از گونه‌های آن، مبادلات و تخصص‌ها را افزایش می‌دهد، موجب کسب درآمد ارزی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید،

دست‌یابی به تکنولوژی جدید، آشنایی با روشهای بازرگانی اداری سایر کشورها و اینها نیز به نوبه خود سبب پیشرفت می‌شوند.

اما اکنون باید با کوشش بیشتر، در ایام چگونگی است که وقتی آزادی دادوستد ایجاد می‌شود برای کل جامعه نیز رفاه اجتماعی - اقتصادی بیشتری فراهم می‌شود.

تئوری کلاسیک بازرگانی

پناب گفته‌ی "هاریس" (Harris) اساس تئوری کلاسیک بازرگانی که مبتنی بر دکترین "مزیت‌های نسبی"، دیوید ریکاردو (D. Ricardo) می‌باشد در اوائل سده‌ی نوزدهم ارائه شد. ریکاردو بر این باور بود که، آنچه بیش از همه در هزینه تولید کالا دارای اهمیت است، سهم نسبی هزینه دستمزد کارگر در کل هزینه تولید یا بهره‌وری است و نه هزینه‌های مطلق، زیرا عامل اصلی در تمامی کالاهای تولیدی قابل مبادله یکی و همانا کارگر و به بیان دیگر کاراو می‌باشد. وی نشان داد که وقتی تقاضایی بین دو کشور و در شرایط مساوی مبادله می‌شود، هر یک از این دو کشور دست به صدور کالائی می‌زنند که در آن از امتیاز نسبی بیشتری برخوردارند، لذا با اختصاص تولید آن کالا به خود، رفاه اقتصادی خود را افزایش می‌دهند. اما به نحوی که "کاو" و "جونز" (Caves & Jones) در بخش بازرگانی کتاب "اقتصاد بین‌الملل" خود اشاره می‌کنند، مدل "ریکاردو" مدل بسیار قدیمی و ساده‌ی بازرگانی است و امروزه دیگر پذیرفتنی نیست.

"ریکاردو" بر این باور بود که تمامی کالاهای قابل دادوستد ناشی از وجود عامل اصلی تولید یعنی نیروی کار کارگر است. از این رو نیازی نیست که کشور در تولید همان کالا دارای امتیاز مطلق باشد. آنچه درخور اهمیت است، هزینه نسبی کارگر است نه هزینه مطلق. فرض بر این است که در کشور (الف) یک واحد کارگر می‌تواند دو واحد

گندم یا یک واحد پارچه تولید کند، در حالی که کشور (ب)، برعکس بایک واحد کارگر می‌تواند دو واحد پارچه و یک واحد گندم تولید کند، بنابراین صلاح و صرفه اقتصادی در آن است که کشور (الف) به تولید گندم و کشور (ب) به تولید پارچه بپردازد. به عبارت دیگر در اینجا ملاحظه می‌شود که کشور (الف) در تولید گندم دارای مزیت نسبی است، در حالی که کشور (ب) در سنجش با کشور (الف) در زمینه تولید پارچه از مزیت نسبی برخوردار است.

بهر حال به کوتاه سخن باید یادآور شد که آموزه یا دکترین "مزیت نسبی" ریکاردو در جهات بسیار گسترش یافت و در نتیجه با نظریه‌ای که در سال ۱۹۳۳ از سوی "هکشنر اولین" (Haeckschener Ohlin) ارائه گردید، ملاحظه شد که در نظریه "ریکاردو" سهم کلیه عوامل تولید نادیده انگاشته شده است و لذا این تصور در ذهن آدمی ایجاد می‌شد که کشورها، همه دارای کلیه عوامل تولید می‌باشند. در سال ۱۹۵۳ این نظریه توسط "لئوتیف" (Leontief) مورد سنجش و آزمایش قرار گرفت نظریه "اولین" عبارت بود از این که به طور کلی نسبتی که میان سرمایه و کارگر وجود دارد به طور نمونه برای یک کشور کاملاً صنعتی شده مانند ایالات متحده آمریکا به مراتب بالاتر از طرفهای بازرگانی آن کشور است. در حالی که "لئوتیف" در تجزیه و تحلیل‌هایی که در این زمینه به عمل آورده بود به نتیجه دیگری رسیده بود که در کل برعکس عنوان می‌شود و به عنوان نظریه مخالف "لئوتیف" معروف است. این تضاد می‌گوید که ایالات متحده آمریکا صادراتش را با نیروی کار قوی و سرمایه‌ای کمتر قوی توسعه خواهد داد، در حالی که تولیدات را با نیروی سرمایه زیاد وارد خواهد کرد البته گروهی بنابه دلائل متفاوت به این تضاد پاسخ گفتند. البته پاسخ‌هایی که توجیه‌کننده موقعیت بودند و به هیچ وجه نظریه "اولین" را رد نمی‌کنند. اما در سال ۱۹۷۷ "موریس بی" (Maurice Bye)

با پایان پذیرفتن جنگ جهانی دوم کشورهای پیشرفته صنعتی اقدامات همه‌جانبه‌ای در جهت برداشتن محدودیتهای فراراه بازرگانی بین‌المللی به عمل آوردند که به قرارداد عمومی تعرفه و تجارت (گات) و در نهایت سازمان جهانی تجارت (WTO) منتهی شده است

اقتصاددان فرانسوی در چارچوب این تجزیه و تحلیل توضیح داد که منتهی شدن نظریه "کونتیف" به گسترش نظریه سنتی اجتناب ناپذیر است.

به همین دلیل است که به باور "هاریس" در سالهای ۱۹۶۰ معدود اقتصاددان دست اندرکار امور بازرگانی بین‌المللی از پیش‌بینی‌های نظریه "مزیت نسبی" با سهم عوامل تولید آرزاء شد و لذا به همین دلیل تجزیه و تحلیل‌های تجاری را در جهت دیگری سوق دادند. آنها می‌توانستند درک کنند که واقعا "چرا مثلا" کشور کانادا گندم صادر می‌کند، عربستان سعودی نفت خود را؟ اما وقتی سخن از کالاهای ساخته شده در میان است به زحمت قابل فهم است که چرا ایالات متحده تلویزیون، آلمان فولاد و ژاپن موتورسیکلت صادر می‌کند. به همین دلیل است که ورنون (Vernon) در سال ۱۹۶۶ گردش تولید را پذیرفت و آن را با بازرگانی بین‌المللی تطبیق داد.

اما بهر حال با آنکه نظریه مبادلات بازرگانی بعد از نظریه "مزیت‌های نسبی" ریکاردو ارائه و تاحدودی اصلاح نیز شده است با وجود این اساس و مبانی خود را حفظ کرده است. اساس این نظریه توزیع بازرگانی

بین‌المللی است، به ویژه برای عرضه مزیت‌های آن. موریس‌بی در سال ۱۹۷۷ در این مورد می‌گوید:

"تجزیه و تحلیل کلاسیک و نئوکلاسیک، در شرایط متعادل نشان داد که به موجب وضع منابع و مساعدت عوامل مبادلات بین‌المللی در مقایسه با اقتصاد متمرکز بسته از امتیاز بیشتری برخوردار است و..."

بنابراین مسلم است که بازرگانی بین‌المللی بایستی با محدودیتهای یا اقدامات محدودکننده مقابله کند. توسل به تعرفه‌های گمرکی یا سهمیه‌بندی از سوی چند کشور موجب حفظ بازار داخلی می‌شود و صنایع کشور را در برابر بازرگانی بین‌المللی حفظ می‌کند، اما در مقابل، اقدامات مشابهی را از سوی سایر کشورها سبب می‌شود که باعث کندی مبادلات بین‌المللی می‌گردد.

"رونالد شرور" (Ronald Scherer) اقتصاددان کانادایی و عضو کمیسیون سلطنتی کانادا برای اتحادیه اقتصادی و آینده‌نگری توسعه کانادا در سال ۱۹۸۵ چنین تحلیل می‌کند که محدودیتهای مربوط به بازرگانی بین‌المللی، به صورت مالی مانند تعرفه گمرکی، یا کمیته مانند سهمیه بندی در فعالیت اصلاح قیمت‌های نسبی تولیدات است.

روشن است که سهمیه‌بندی هم روی قیمت‌ها متقابلا اثر می‌گذارد. سهمیه‌بندی موقعیت بازار داخلی را محدود کرده، موجودی تولیدات خارجی افزایش قیمت‌ها را اصلاح می‌کند. سهمیه‌بندی به نوعی موجب بهبود قیمت‌ها می‌شود، البته به طور غیرمستقیم، بویژه در مقام مقایسه با تعرفه‌های گمرکی که روی قیمت‌های تولیدات خارجی اثر مستقیم دارند.

تکته درخور توجه اینکه با پایان پذیرفتن جنگ جهانی دوم کشورهای پیشرفته صنعتی اقدامات همه‌جانبه‌ای در جهت برداشتن محدودیتهای فراراه بازرگانی بین‌المللی به عمل آوردند که به قرارداد عمومی تعرفه و تجارت (گات) و در نهایت سازمان جهانی تجارت (WTO) منتهی شده است که شرح آن در شماره مردادماه ۱۳۷۲ همین نشریه با عنوان آزادسازی بازرگانی بین‌المللی، از اندیشه تا عمل به چاپ رسیده است و در حال حاضر از بحث درباره آن درمی‌گذریم.



اطلاعیه

سرویس مسافری هلی کوپتری برای صاحبان صنایع در محدوده تهران بزرگ

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران برای جلوگیری از تضییع وقت مدیران و کارشناسان بنگاههای اقتصادی و به منظور رفع مشکلات مربوط به ایاب و ذهاب روزانه بین انبارها، کارخانه‌ها و کارگاههای واقع در شهرکهای صنعتی و مناطق جنوبی، جنوب شرقی، جنوب غربی و نواحی مسکونی شمال و شمال غربی تهران بزرگ، پیشنهاد برقراری سرویس مسافری هلی کوپتری در مسیرهای یاد شده را به مرکز خدمات هوایی وزارت پست و تلگراف و تلفن داده که خوشبختانه با پذیرش این مرکز روبه رو شده است.

به منظور فراهم ساختن مقدمات اجرایی این طرح و تهیه آمار از تعداد متقاضیان، کلیه صاحبان و مدیران و کارشناسان صنایع که در مسیرهای رفت و برگشت روزانه میان محل کار و سکونت خود مایل به استفاده از سرویس هلی کوپتری مزبور هستند می‌توانند درخواستهای خود را با ذکر نوع فعالیت، نشانی پستی، شماره تلفن و فکس کارخانه یا کارگاه کتبا به دفتر دبیرکل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ارسال دارند. ضمناً تلفن داخلی شماره ۲۰۴ اتاق در ساعات اداری ایام هفته آماده پاسخگویی به پرسش‌های شما خواهد بود. جزئیات مربوط به نحوه و زمان شروع اجرای طرح متعاقباً اعلام خواهد شد.

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران